

مشکل صادرات غیر نفتی ایران

طرح مسئله (تشریحی)

محسن خلیلی

۸۱/۵/۳۰

پژوهشکده صنعتگر





صادرات غیر نفتی علیرغم تمام تمهیدات و تسهیلات مقرراتی مثل حذف پیمان سپاری ارزی دچار عدم تحرک است. بررسی دقیق تر وضعیت موجود نشان می دهد که اقتصاد ایران مخصوصاً تولیدات و صادرات صنعتی، بامشکلات بنیادی فراوان روبرو است که هر یک غلبه ریشه در بیرون از خود کالای قابل صدور و صادرکننده دارد که ذیلاً به این موارد اشاره می گردد:

۱. رقابت جهانی :

به دلیل عضو نبودن ایران در سازمان تجارت جهانی و عدم استفاده از امتیازات و تسهیلات مخصوص اعضای سخت و سخت تر شدن رقابت در بازارهای جهانی را در بردارد. کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به سرعت به طرف حذف تمامی موانع غیر تعرفه ای و تعرفه ای پیش رفته اند ، تا جایی که امروز بیش از ۴۵ درصد کالاهای صنعتی صادراتی ، حدود ۹۰ درصد صادرات جهان از هر گونه تعرفه معاف است .

با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی از اول سال ۲۰۰۲ و استفاده تدریجی آن کشور از امتیازات عضویت ، وضعیت رقابتی حتی اعضای با سابقه سازمان متزلزل شده و مزایای ناشی از جابه جایی صنایع ، مراکز تولید و رفتن به طرف رقابت نسبی واقعی دراز مدت در مقیاس جهانی برای همه مردم جهان در حال تحقق است . امروز ایالات متحده تولید بیش از هزار کالای صنعتی کوچک و متوسط خود را به دیگران واگذار کرده است . در چنین شرایطی موانع غیر تعرفه ای برای صادرات ممالک غیر عضو از قبیل ایران ، عراق ، افغانستان و تعدادی سرزمین های کوچک ، تعیین تکلیف نکرده ، همچنان به قوت خود باقی است . امتیازات ترجیحی سابق که به ممالک در حال توسعه داده می شد (مخصوصاً نساجی) و نیز سهمیه های ترجیحی و دادن بازار به محصولات ممالک در حال توسعه از سال ۱۹۹۵ به بعد تدریجاً در حال لغو شدن است یعنی کشورمان نه تنها چیز جدیدی به دست نخواهد آورد بلکه بازارهای سابق خود را نیز به دلایل زیراز دست خواهد داد :

الف - ورود اعضای جدید رقیب مثل چین ، ممالک خاور دور و امریکای لاتین و شمال افریقا و استفاده از حذف موانع غیر تعرفه ای .

ب - وجود این موانع برای صادرات ممالک غیر عضو مثل ایران .

بررسی موردی محصولاتی مانند فرش ، کشمش ، پسته و خشکبار در مقابل صادرات کشورهایمانند ترکیه ، تونس ، هندوستان ، مراکش و غیره خود فرق عضو بودن و یا نبودن را برای این گونه کالاها نشان می دهد . در مورد کالاهای ساخته شده صنعتی مثلاً نساجی ، شیرآلات ، اتومبیل ، لباس و غیره این تفاوت ها بیشتر است .

۲. نرخ بهره و تسهیلات بانکی :

دنیای امروز دنیای سرمایه در مقیاس جهانی است. یک واحد تولیدی صنعتی در چین، شیلی، مالزی یا ترکیه تا وقتی که امکان سود دهی و پس دادن اصل و بهره سرمایه قرض گرفته شده را دارد به سرمایه با هزینه اندک دسترسی دارد. امروز در دنیا یکی از مشکلات، زیادی سرمایه برای وام دادن است و نرخ بهره بسیار پایین در مقیاس جهانی خود معرف این زیادی عرضه سرمایه در مقابل تقاضا است. در ایران نظام بانکی دولتی، وابستگی بخش دولتی و شبه دولتی (بنیادها و ستادها و صندوق‌ها...) به اعتبارات سیستم بانکی و وجود سود سرشار در بخش بازرگانی و ساختمان سازی اولاً عرضه اعتبار در بخش صنعت و فعالیت های تولیدی را کم و ثانیاً نرخ بهره را تا چهار برابر نرخ های بهره مشابه در شرایط مساوی افزایش داده است. این امر مسئله توسعه صنعتی و نوسازی صنایع را چه با پول خود صاحب صنعت و چه با پول قرض گرفته شده غیر منطقی و غیر اقتصادی ساخته است.

۳. نابرابری تکنولوژی و سایر مختصات :

عدم دسترسی به تکنولوژی روز در مقیاس جهانی، عضو نبودن در سازمان تجارت جهانی و عدم پذیرش مقررات حاکم بر روابط اقتصادی جهانی برای ایران و ایرانی، کالاهای ایرانی و شرکت های ایرانی بحران عدم اعتماد در مقیاس جهانی ایجاد کرده است. بیش از ۸۰۰ شرکت بزرگ ترکیه که هر یک به اندازه تمام صنایع یک رشته خاص در ایران تولید دارند به طور روزمره و دائم از مراکز تحقیق و توسعه مثلاً در آلمان، هلند، فرانسه استفاده می کنند. برای تولید محصول جدید و آزمایش های کیفیت با آنها همکاری دارند و بیشتر محصول خود را برای کمپانی بزرگ مشهور در سطح جهانی تولید و حتی توسط آنها روانه بازار می کنند. به دلیل اعتماد کمپانی آلمانی به طرف ترک خود این رابطه متقابلاً مفید، به سرعت در حال گسترش است.

به سبب عضو بودن ترکیه در سازمان تجارت جهانی و پذیرفتن مقررات اتحادیه اروپا درباره ثبت اختراعات و اکتشافات، علائم تجاری، مبارزه با کالاهای تقلبی و غیره و مخصوصاً سیستم حل اختلافات تجاری شرکت آلمانی، شرکت ترک را جزئی از خود می داند و ترس از گسترش همکاری ندارد. این امر در مورد ایران از هر نظر مورد شک و تردید است. با توجه به تجربه دوران بعد از انقلاب مخصوصاً دوره جنگ تحمیلی هیچ شرکت خارجی تکنولوژی روز خود را در اختیار ایران نمی گذارد و حتی اخیراً به قرار اطلاع چینی ها نیز در یک مورد با وجود انعقاد قرارداد از واگذاری تکنولوژی خود خودداری کرده اند.

۴. مشکل تورم مداوم :

تورم در ایران مرتبط به عملکرد گسترده دولت است ، زیرا که هفتاد درصد آن دولتی و شبه دولتی است و بودجه دولت مستقیم و غیر مستقیم حدود ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد . به رسم شاهد مثال می توان به تورم بودجه سال ۱۳۸۱ دولت و رشد نهایی ۵۲ درصد نسبت به بودجه سال ۱۳۸۰ اشاره نمود .

امید به درآمدهای مالیاتی (۵۰ درصد) و نرخ رشد اقتصاد (۵ درصد) باعث شده است که ارقام تورم و رشد نقدینگی (به ترتیب ۱۴-۱۲ درصد و ۱۸ درصد) به تصویب برسد که با گذشت پنج ماه از سال ۱۳۸۱ برآورد این ارقام مورد تردید قرار گرفته است . نمایندگان مجلس نیز خود حدود ۴/۵ درصد (بیش از سی هزار میلیارد ریال به هزینه های دولت افزوده اند ، نتیجه امر اینکه کاهش نرخ مالیات های دور از منطق گذشته و دادن بخشودگی های مالیاتی به حق ، ناتوانی در اخذ مالیات از نهادها و بنیادها و ارگانها که فعالیت اقتصادی دارند ، ناتوانی در مبارزه با قاچاق و غیره درآمدهای مالیاتی و غیر مالیاتی منتظره دولت را علیرغم عملکرد بیش از بودجه بخش صادرات نفت ، کاهش داده و امروز مسئله کسر بودجه و ترمیم بودجه موضوع روز شده است .

رفتن به سراغ سیستم بانکی و استقراض از سیستم چه با مجوز مجلس و چه بدون مجوز از راههای روشن برای مقامات بانکی دولتی و تابع ، برای مدیران واحدهای دولتی و یا استقراض از بازارهای جهانی و خرج کردن پول در داخل تنها راه چاره پیش روی دولت است .

حاصل چنین سیاست هایی در سال جاری بروز تورم ۱۸ درصد به بالا با رشد نقدینگی بیش از ۴۰ درصد است که بالا رفتن حقوق ها و دستمزدها بیش از ۱۵ درصد و سایر هزینه ها به میزانی بیشتر را برای تولید کننده به ارمغان می آورد. در حالیکه در ممالک صنعتی بالاترین نرخ تورم حدود ۴ درصد است .

۵. عدم کارایی رقابتی عوامل تولید مخصوصاً نیروی کار :

بررسی های سازمان بهره وری آسیایی نشان می دهد که بهره وری نیروی کار در کشورهای در حال صنعتی شدن رقیب ایران به طور مداوم در حال افزایش بوده است . مثلاً در کشور چین بازده نیروی کار طی دوره ده ساله ۹۵-۱۹۸۶ معادل ۶۳/۵۶ درصد ، در تایلند طی ۹ سال ۸۱/۰۹ درصد ، در مالزی طی ۱۰ سال ۵۲/۰۲ درصد ، در هندوستان طی ۱۰ سال ۳۰/۵۳ درصد و در پاکستان طی ۱۹ سال ۲۴/۸۴ درصد افزایش یافته است . در حالیکه این نسبت برای ایران طی ۱۰ سال تنها ۳ درصد بوده است که از نظر قیمت تمام شده کالاهای صادراتی تولید کنندگان

ما را در موقعیت عدم مزیت تطبیقی قرار میدهد. در ایران دستمزدها بدون توجه به رشد بازده عامل کار سالانه طبق دستور دولت افزایش می یابد در حالیکه در ممالک صنعتی که قرارداد دسته جمعی کار بین تشکل کارگران و تشکل واحدهای تولیدی امضاء می شود بالا رفتن دستمزدها بیش از همه به رشد بازده عامل کار وابسته است. کارگران می دانند که بالا بردن دستمزدها بیش از بالا رفتن بازده عامل کار قیمت تمام شده را بالا می برد و در نتیجه واحد تولیدی بازارها و در نتیجه خود آنها کار را از دست می دهند. احساس مسئولیت کارگران در مقابل تولید و ادامه فعالیت واحد نقش اساسی در معقول و منطقی کردن تقاضاهای افزایش دستمزدها دارد (مثال اعتصاب اخیر مهندسین صنایع آلمان و درخواست افزایش دستمزدها برابر ۵/۵ درصد در مقابل رشد بازدهی کار در حدود ۳/۵ درصد و سازش نهایی است).

عدم رشد مناسب و منطقی بازده عامل کار در صنعت ایران، در اد ارات و در کل مملکت خود ناشی از عوامل درونی بازدارنده رشد کارایی و بازدهی در کل جامعه است. وجود تعطیلات زیادی (تعداد تعطیلات رسمی در ایران دو برابر دنیا است). توقف کار عادی در طی روز کار به دلایل مختلف، ظهور تعطیلات ثبت نشده در طی سال و استقرار روحیه تعطیلی و شبه تعطیلی در بین روزهای کار، میزان روزها، ساعات و دقایق کار موثر را در طی سال به شدت کاهش داده است و در نتیجه متوسط قیمت تمام شده محصول مرتبط با عامل کار را افزایش داده است. کمبود انضباط در محیط کار، اتلاف وسایل و مواد اولیه، ریخت و پاش فراوان در سطح مدیریت ها و موثر در افزایش هزینه های بالاسری جملگی در بالا رفتن قیمت تمام شده موثرند.

البته وجود تورم شدید ناشی از ساختار دولت در جامعه کارگر و کارمندان را که تعادل در آمد و هزینه آنها دائما از میان رفته است و ادار می سازد که در تامین معاش اولاً در جستجوی کارها و درآمدهای دیگری باشند و ثانیاً در تقاضاهای خود منطقی نباشند و رابطه ای بین بازده عامل کار و پاداش عامل کار برقرار نسازند.

۶. تثبیت نرخ ارز:

متأسفانه در ایران در سال های اخیر با مطرح کردن هم زمان دو موضوع کاملاً متفاوت دو نتیجه کاملاً متضاد با هدف حاصل شده است. تک نرخی کردن ارز اقدامی بسیار منطقی از نظر حذف رانت خواری و منطقی کردن هزینه ها و قیمت های تمام شده و شفاف سازی تصمیمات اقتصادی است که با وجود تصویب در قانون برنامه سوم و قانون بودجه سال ۱۳۸۱ متأسفانه هنوز کاملاً اجرا نشده است ولی تثبیت نرخ ارز که یک اقدام مداخله گرانه ضد رقابت ناپذیری اقتصاد است علیرغم وجود تورم شدید در اقتصاد و خلاف تمام تئوری های مربوط به تعیین ارزش برابری پول ها



به مورد اجراء گذاشته شده است . تثبيت نرخ ارز در هر نرخ غيرواقعی تبعیض به نفع واردات و به ضررصادرات کشور است . اگر قیمت کالایی درداخل طی سه سال دو برابر می شود و در مقابل قیمت همان کالا بر حسب دلار تبدیل شده به ریال نسبتا ثابت می ماند شکی نیست که مصرف کننده کالا به هر طریق می کوشد آن را از خارج تامین نماید . گسترش بازارهای موزای برای بسیاری از کالاها و مخصوصا رواج قاچاق به طور وسیع در چندین سطح پی آمد چنین سیاست هایی است . تفاوت وسیع قیمت های داخلی و هزینه ارزی - ریالی واردات ، هر نوع ریسکی را کم و قابل پذیرش و تدریجا کوچکتر و کوچکتر می نماید و لذا تثبيت نرخ ارز در تبعیض به ضرر صادرات روشن است .

صادرکنندگان خارجی در مقیاس جهانی از شش عامل مثبت در مقایسه با صادرکنندگان ایرانی برخوردارند :

- الف - رشد دستمزدها متناسب با بازده نیروی کار .
 - ب - رشد هزینه سایر عوامل و وسائل تولید به میزان اندک ناشی از سطح تورم پایین در جامعه .
 - ج - نرخ بهره بسیار نازل و فراوانی اعتبارات و سرمایه .
 - د - نو بودن ماشین آلات و به روز بودن تکنولوژی ، وجود انضباط و دیسیپلین در محیط کار و تخصصی و کارآمد بودن مدیریت که جملگی قیمت تمام شده محصول را همراه با گسترش مقیاس تولید کاهش می دهد .
 - ه - دسترسی نسبتا بدون مانع به بازارهای جهانی در اثر حذف موانع غیرتعرفه ای و کاهش شدید تعرفه ها و اطمینان از وجود و تثبيت بازارهای خود در مقیاس جهانی که جملگی ناشی از عضویت کشور آنها در سازمان تجارت جهانی است .
 - و - نرخ متغیر ارز که متناسب با عملکرد تطبیقی کل اقتصاد کشور تغییر می نماید .
- عواملی مانند کسر بودجه دولت ، اغتشاشات کارگری ، تورم ، کسری موازنه تجاری و موازنه پرداخت ها ، تغییر شدید قیمت کالاهای وارداتی عمده ارزش برابری پول کشور را کاهش داده و سبب بالا رفتن نرخ ارزها می شود . در نظام اقتصاد آزاد و رقابتی همین عامل تغییر نرخ ارز است که موجبات تعدیل اقتصاد را تدریجا فراهم می نماید .

چه باید کرد؟

راه حل دراز مدت در حرکت به طرف برقراری شرایط کار و فعالیت تولیدی مشابه ممالک صنعتی رقیب در زمینه نکات شش گانه بالا نهفته است .

* در کوتاه مدت سیاست ها و برنامه ها باید در جهت فراهم سازی امکانات ایجاد شرایط مساعد ولی در بستر دراز

مدت حرکت شود. معرفی شناوری محدود و هدایت شده ارز طبق یکی از روش های متداول در جهان (در کتاب اقتصاد مردم سالار تشریح شده است) می تواند مورد آزمایش قرار گیرد.

* در سطح واحدها باید موردی و با شناخت عوامل بازدارنده فروش و رقابت در سطح جهانی برنامه اجرایی تنظیم و امکانات مالی (ارزی و ریالی) را در اختیار واحدها به طور تشویقی مرتبط با پیشرفت و عملکرد آنها قرار داد.

متغیرهای قابل توجه که در طرح باید مورد توجه قرار گیرد می توانند شامل موارد زیر باشد :

الف - بهبود تکنولوژی تولید، روش تهیه و بسته بندی و یا بالا بردن استاندارد و غیره که از یک طرف ممکن است به کاهش عوامل ایجادکننده هزینه بالا (عامل کار، مراحل تولید...) منجر شود و از طرفی مشوق تقاضا برای کالا است.
ب - دادن آزادی عمل موردی و مطالعه شده به جرح و تعدیل ماشین آلات، نیروی کار، ساختمانها، ادغام و جابه جایی و مکان یابی در جهت دستیابی به شرایط رقابتی بهتر.

ج - آغاز مبارزه تبلیغاتی - بازاریابی در مقیاس جهانی و مخصوصا در بازارهای هدف صادرات ایران توسط وزارتخانه های مرتبط با صادرات غیر نفتی و با مشارکت خودصادرکنندگان و تشکل های آنها و تامین هزینه های آن توسط دولت.

د - تهیه کادر آموزش دیده برای واحدها، تاسیس بخش بازاریابی و صادرات در واحدها، تسهیل بازدیدها و انجام مطالعات محلی، چاپ و پخش اطلاعات بازار کالا برای واحدهای علاقمند.

ه - تهیه کادر آموزش دیده و علاقمند برای اداره بخش بازرگانی در سفارتخانه های ایران در ممالک بازارهای هدف وزارتخانه های صنایع و معادن و وزارت بازرگانی و سایر وزارتخانه های ذیربط.

و - حسب مورد باید شورایی را برای راه حل یابی برای واحدهای دارای قابلیت صدور تشکیل دهند.

* هدف مصوبات این شورا تصویب نهایی پیشنهاد خود واحدها برای انجام اصلاحات در جهت موفقیت مداوم و دراز مدت در صدور کالاهای غیر نفتی است.

* در برنامه مصوب نوع اقدامات، زمان بندی، هزینه های ارزی و ریالی مربوط، کادر مورد نیاز، انواع ماشین آلات نوع تکنولوژی و پی آمدهای منتظره دقیقا و بطور کارشناسی قید می گردد.

* واگذاری کمک های ترجیحی ارزی و ریالی شامل مبلغ، نرخ بهره و مدت حسب مورد باید آنچنان تعیین شود که پس از حصول نتیجه توسط واحد بازپرداخت شود. کمک های ترجیحی باید جنبه تشویقی داشته باشد و به اقدام خوب و موثر پاداش داده شود.